

پرنده آبی

تصمیم برجامی ایران و کاربران فضای مجازی

● ماجرای کم‌کردن تعهدات ایران در برجام و صحبت‌های دیروز حسن روحانی، رئیس‌جمهور، در هیئت دولت، علاوه‌بر اینکه تیتربسیاری از رسانه‌ها شده، بازتاب مثبتی در بین کاربران شبکه‌های اجتماعی داشته است. درعین‌حال واکنش فرانسه و سخنانی تهدیدآمیز که نسبت به ایران بیان کرده است هم باعث خشم کاربران شد. فرانسه اعلام کرده که «هر اقدام مغایر با برجام، تحریم‌های اروپا را در پی خواهد داشت». کاربران فارسی توییتر این سؤال‌ها را مطرح کردند که «وقتی آمریکا رسماً از برجام و قطع‌نامه شورای امنیت سازمان ملل خارج شد، دقیقاً‌چه کردید؟ مگر تا امروز تحریم نبودیم؟ از ایران نفت خریدید؟ روابط بانکی داشتید؟ جلوی کدام قلندری آمریکا ایستادید؟». از مسائلی که کاربران بعضاً رسانه‌ای نسبت به آن واکنش داشتند، نحوه پوشش خبری رسانه‌های فارسی‌زبان آن‌سوی آب‌ها بوده است؛ مثلاً یکی از کاربران نحوه پوشش مجری بی‌بی‌سی فارسی را مدنظر قرار داد که در گفت‌وگو با هرمیداس‌باوند پرسید نظرتان درباره رفتن ایران به سمت تقابل چیست؟! از نظر این کاربر، این مجری قصد داشت ایران را به جنگ‌طلبی متهم کند، در حالی‌که آمریکا از برجام خارج شده و ایران را تحریم کرده و نیروی نظامی ایران را تروریستی دانسته و ناو فرستاده یا نحوه پوشش خبری رادیو فردا که برای رفتار آمریکا در قبال برجام، از کلمه خروج استفاده کرد و سخنان روحانی را نقض برجام دانست. از نظر برخی کاربران «تصمیم ایران به کاهش سطح تعهدات هسته‌ای اِعمال حقی است که خود برجام مقرر کرده است؛ پیمان آن‌پی‌تی نیز به هر عضو حق می‌دهد در اجرای حاکمیت ملی خود در صورتی‌که رویدادهای فوق‌العاده‌ای مربوط به موضوع این پیمان، منافع عالیه کشورش را به مخاطره اندازد از پیمان خارج شود». این رویکرد ایران از نظر کاربران به‌عنوان فال نیک شمرده شده و دیگری نوشته است فرامتن این رفتار این است که «ایران دنبال ماجراجویی نیست و می‌خواهد کشوری مقتدر، اما در چارچوب تعهدات بین‌المللی باشد. تا زمانی‌که ایران به فرامتن متعهد باشد، تغییر در متن مشکل خاصی ندارد» و دیگری نوشته است: «فارغ از بحث شأن و عزت، ترس و عقب‌نشینی در این شرایط قدرت‌بازدارندگی کشور را مخدوش می‌کند». تشبیه برجام به درخت و بار از سوی روحانی این‌بار هم مورد توجه بود. اما در نهایت اکثر کاربران به این نکته اشاره کردند که «تحریم‌ها دارد بدتر از تحریم‌های دوره پیش از برجام می‌شود» و منتظر اقدام جدی از سوی مسئولان هستند.

شرق روزنامه

www.sharghdaily.ir

پنجشنبه ۱۹ اردیبهشت ۱۳۹۸ • ۳ رمضان ۱۴۴۰ • می ۲۰۱۹ • سال شانزدهم • شماره ۳۴۲۳ • ۱۶ صفحه اذان ظهر تهران ۱۳:۰۱ • اذان مغرب ۲۰:۱۷ • اذان صبح فردا ۴:۲۸ • طلوع آفتاب ۶:۰۴

روزنامه‌فردا

fardashargh@gmail.com

کارتون خواب



آرکادیو اسکیوال

تیم ملی فوتبال در انتظار سرمربی



arcanadio

از حال برادرت * خبرداری؟

* در مبارزه با سرطان یک خانواده‌ایم

سمر

موسسه‌ی خیریه‌ی حامی بیمارانی مبتلایه سرطان

کمک از طریق شماره گیری

#۹۰۰*۴*۷۳۳*

تلفن: ۲۸۱۳۴ - ۰۲۱

www.samarcharity.org



نعمت‌الله قاضلی

انسان‌شناس

و استاد دانشگاه

امروزه با توجه به وجود رسانه‌ها به‌ویژه شبکه‌های اجتماعی، مردم عادی به نیروی بزرگی برای تحول‌خواهی فرهنگی و پویایی اجتماعی تبدیل شده‌اند. برخلاف دوره قاجار که روشنگران نواندیش خواهان «ترقی» و «تجدد» بودند و توده‌های مردم در برابر آنها مقاومت می‌کردند، امروزه توده‌های مردم نوعی «عامه خلاق» را شکل داده‌اند و «شبکه نیروهای نوگر» و نقاد را ساخته‌اند. این «شبکه نیروهای نقاد» نقش تعیین‌کننده‌ای در امروز و آینده نزدیک ایران خواهد داشت.

البته موقعیت کنونی جامعه ایران به دلیل فروریزی دیوارهای مقاومت در برابر تغییرات و پویایی‌ها، جامعه را با نوعی «شتاب اجتماعی» پرسرعت و لجام‌گسیخته مواجه کرده است. از دید تحلیل‌ل فرهنگی، بزرگ‌ترین مخاطره‌ای که ممکن است جامعه ایران را در آینده تهدید کند، همین «شتاب لجام‌گسیخته» تغییرات فرهنگی است؛ زیرا شتاب اجتماعی در هر جامعه‌ای اگر بیش از ظرفیت واقعی و تاریخی آن جامعه باشد، می‌تواند موجب ازهم‌گسیختگی و فروپاشی فرهنگی و اجتماعی در آن جامعه شود. جامعه ایران مانند هر جامعه دیگری نیازمند «نظم اخلاقی» و حداقلی

دغدغه‌های یک آموزگار

مهاجرت و دیگر هیچ!



محمدرضا نیک‌نژاد

چندسالی است که در یکی از دبیرستان‌های اقلیت‌های دینی کار می‌کنم؛ دبیرستانی که دانش‌آموزانش جورچینی از بچه‌های زرتشتی و ارمنی و کلیمی و کمتر مسلمان هستند. چند روز پیش مادر یکی از دانش‌آموزان ارمنی‌ام برای پیگیری درس و مشق فرزندش به مدرسه آمده بود. این جوان رعنا در زمینه درسی معمولی است اما در تیم بسکتبال آراارات بازی می‌کند و در موسیقی نیز وضع خوبی دارد. این مادر، با من به عنوان یکی از دبیران فرزندش گفت‌وگویی داشت. لابه‌لای حرف‌هایش تأکید کرد که به دنبال نمره و معدل بالا برای فرزندش نیست و برنامه‌شان مهاجرت به ارمنستان و پذیرش پسر در دانشگاه‌های آن کشور است. بی‌آنکه شده‌اند. تأکید کرد آنجا شرایط کار و سرمایه‌گذاری بهتر است و آینده بچه‌ها تا اندازه‌ای روشن‌تر و... غم سنگین همیشگی به سراغم آمد؛ غم مهاجرت و از دست‌دادن‌های هرساله شماری از دانش‌آموزان ارمنی و کلیمی و زرتشتی و حتی مسلمان؛ بچه‌هایی که افزون بر درس‌خواندن، دارای توانایی‌های هنری، ورزشی و علمی هستند و هر کدام می‌توانند آتوش طریان فیزیک‌دان (پایه‌گذار نخستین رصدخانه ایران)، چکاواریان موسیقی‌دان، پرویز شه‌ریاری ریاضی‌دان، ادمند بزیک و ادمند اختر ورزشکار، فردوس کاویانی هنرمند، گشتاسب فیروزگر (پایه‌گذار بیمارستان فیروزگر) و... دیگری باشند. شوربختانه در دهه‌های گذشته روند مهاجرت هم‌میهنان اقلیت شتاب بیشتری گرفته است؛ به گونه‌ای که تعداد هم‌وطنان ارمنی از صد هزار به اندکی بیش از ۲۰ هزار نفر رسیده است و شمار هم‌میهنان زرتشتی نیز به نزدیک پنج هزار نفر. گرچه فقط اقلیت‌ها نیستند که مهاجرت می‌کنند، یکی، دو سال پیش «سازمان ملل و صندوق بین‌المللی پول آمار مهاجرت در ایران را ۱۵۰ هزار تا ۱۸۰ هزار نفر در سال برآورد کرده- یعنی ۴۶۰ تا ۵۰۰ نفر در روز! ۷۰ تا ۸۰ درصد آنها قشر تحصیل‌کرده و متخصص هستند. همچنین بنابر آمارهای مجلس، وزارت آموزش و پرورش و... ۷۰ درصد از رتبه‌های برتر کنکور، المپیادی‌ها و مدال‌آوران علمی از کشور خارج شده‌اند...» بسیاری از کارشناسان یکی از پیامدهای نگران‌کننده موج شتابان مهاجرت نخبگان را پایین‌آمدن میانگین ضریب هوشی کشور می‌دانند و... (رسانه‌ها) که بی‌گمان آمار نگران‌کننده و هراسناکی است. درگیر این‌غم چندروزه بودم که در دبیرستان و کلاسی دیگر، مهدی، دانش‌آموز بسیار مؤدب، درس‌خوان و پرتلاش یازدهم تجربی‌ام در کلاس پرسید: آقا تاکنون دانش‌آموزی داشته‌اید که برای درس‌خواندن و زندگی به خارج رفته باشه؟ به نظرم خیلی باکلاسه! پرسیدم: چطور مگه؟ ادامه داد که تقریباً کارمان پایان یافته و تابستان خانوادگی به نروژ می‌رویم. جا خوردم و پرسیدم چرا؟ همان نگرانی‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و...! را بر زبان آورد که دل‌نگرانی بخش بزرگی از نوجوانان و جوانان امروز کشور است و... بگذریم، اما پرسش جانکاه این است که تا چه زمانی باید دست روی دست بگذاریم تا نخبگانمان بر عشق به وطن پا بگذارند و بی‌جایی و بی‌وطنی، با همه آسیب‌های فردی و اجتماعی‌اش را به جان بخرند؟ آیا کسی هست که برای این گرفتاری روزافزون چاره‌ای بیندیشد؟

از انسجام اجتماعی و وفاق نسبی حول «قانون» است. در موقعیت پرشتاب کنونی می‌توان انتظار داشت که تنش‌های فرهنگی میان نیروهای نوگرا و واپس‌گرا، زمینه را برای سست‌شدن نظم اخلاقی و انسجام اجتماعی فراهم کند. همچنین سیاسی‌شدن افراطی کشمکش میان نیروهای واپس‌گرا و نوگرا در ایران، موجب «قطبی‌شدن فرهنگ» و در عین حال شتابانک‌ترشدن پویایی‌های فرهنگی شده است. از این‌رو، نوعی «خشونت نمادین» و پنهان در تمام پویایی‌های فرهنگی و اجتماعی جامعه مشاهده می‌شود. این خشونت پنهان می‌تواند زندگی روزمره مردم را تلخ و آنها را هر چه بیشتر عصبی و کم‌حوصله کند.

به‌طور خلاصه، جامعه ایران از نظر من، جامعه‌ای است پویا و اگرچه بحران‌های اقتصادی درون آن در آینده نزدیک تشدید و تنش‌های زیست‌محیطی بیشتر و وضعیت اخلاقی و اتومیک آن آشکارتر و فراگیرتر خواهد شد، اما جامعه ایران لاجرم به سوی شکل‌دادن سامان جدیدی خواهد رفت؛ سامانی که بیش از آنکه بر نفی و انکار تجدد باشد، بر توسعه و تثبیت ارزش‌های آن خواهد بود. برخی ناکارآمدی‌ها، تنش‌های اکولوژیکی و فشارهای اقتصادی، نوعی سامان عقلانی را بر جامعه تحمیل خواهد کرد. فرایند «بازاندیشی انتقادی» و «آگاهی نقاد» توسعه بیشتری خواهد یافت. از دیدگاه تحلیل فرهنگی، بزرگ‌ترین خطری که آینده نزدیک ایران را تهدید می‌کند، این است که چون نیروهای واپس‌گرا موقعیت اجتماعی خود را کاملاً در خطر می‌بینند

یادداشت

فرهنگ مدارا، عامل پایداری ایران

و برای اولین بار نمی‌توانند اکثریت افراد جامعه را با باورهای خود همسو و همراه ببینند، تلاش خواهند کرد تا محدودیت بیشتری بر نیروهای نوگرا تحمیل کنند. مایکل آکسورتی در کتابش با عنوان «تاریخ ایران: امپراتوری ذهن» به درستی این‌نظریه را بیان می‌کند که «ایده ایران» در تمام تاریخ چندهزارساله‌اش ایده‌ای فرهنگی بود که گروهی از نخبگان و فرهیختگان در تمام طول تاریخ این ایده را محافظت کرده و ایران را به سوی نوعی مدارا و هم‌زیستی تاریخی با ملت‌ها و فرهنگ‌ها سوق داده‌اند. آکسورتی تردید دارد که در شرایط کنونی ایران بتواند چنین مدارا و تساهلی را از خود نشان دهد. من برخلاف آکسورتی بر این باورم که اکنون «عامه خلاق» و «شبکه نیروهای نوگرا و نقاد» جایگزین آن گروه نبخه شده‌اند و قدرت این شبکه هزاران برابر بیش از نخبگان سیاسی است. از این‌رو ایده ایران همچنان پابرجا خواهد ماند و به‌تدریج نیروهای واپس‌گرا را هم در خود هضم خواهد کرد. در شرایط کنونی شاید وظیفه بزرگ شبکه نیروهای نوگرا و نقاد این است که نشان دهند وارث همان روحیه و فرهنگ مدارایی هستند که آکسورتی آن را عامل پایداری ایران می‌داند؛ این شبکه نقاد و نوگرا باید فعالانه‌تر و خلاقانه‌تر بکوشد تا نظم اخلاقی، قانون و انسجام اجتماعی را در جامعه توسعه دهد. این شبکه نباید نگران نیروهای واپس‌گرا باشد؛ این نیرو با ضعیف‌شدن جایگاه و پایگاه اجتماعی‌اش لاجرم خود را با ارزش‌ها و باورهای متجدد همراه و سازگار خواهد کرد.

رویداد

احسان شریعتی در نشست چشم‌انداز کنشگری حقوقی در ایران:

جامعه ایرانی با مجموعه سوءتفاهمات روبه‌رو است

کرد. به باور دادخواه، نمی‌توان هر دانش‌آموخته حقوق را کنشگر حقوقی قلمداد کرد. فقط آنهایی را می‌توان کنشگر قلمداد کرد که می‌آیند و سخن می‌گویند و پامردی و ایستادگی می‌کنند. حقوق‌بان به آینده می‌نگرد و برای ساختن فردایی بهتر تلاش می‌کند و در هر جای جهان، راهی به راهی، گامی به‌سوی عدالت و روزنی به صلح و سعادت می‌جوید. در ادامه، علیرضا افشاری کنشگر حوزه میراث فرهنگی و تاریخی و از مؤثرترین افراد در تشکیل جنبش ملی نجات پاسارگاد برای جلوگیری از آگیری سد سیوند به تشریح چگونگی شکل‌گیری کمپین اعتراضی نسبت به احداث سد سیوند و اقدامات آن و پیوند جامعه مدنی با وکلای کنشگر برای طرح شکایتی جمعی از وزیر نیرو و رئیس وقت سازمان میراث فرهنگی و گردشگری پرداخت. او در ادامه به برخی ابزارهای اعتراضی مورد استفاده جنبش هواخواهان میراث فرهنگی از جمله صدور بیانیه‌های تحلیلی و اعتراضی، تجمع در مقابل وزارت نیرو، مجلس شورای اسلامی و... و در نهایت ایجاد کمپینی برای طرح شکایت اشاره کرد که برای اولین بار در تاریخ دادگستری ایران، توانست امضای چهارهزارو ۲۳۰ نفر از ایرانیان داخل و خارج را به دست آورد و آواردگاهی قضائی علیه مقامات دولتی به وجود آورد. افشاری بزرگ‌ترین دستاوردهای این جنبش اعتراضی را در شکل‌گیری ارتباط گسترده بین فعالان میراث فرهنگی و تاریخی، فروریختن هراس از طرح شکایت از مقامات دولتی و جلب توجه وسیع رسانه‌ها به موضوع میراث فرهنگی دانست. محمدرضا عظیمی نویسنده کتاب و وکیل دادگستری، رویکرد بسیج حقوقی را به‌عنوان رویکردی جدید در سنت تحقیقی جنبش‌های اجتماعی معرفی کرد که به مطالعه نقش، جایگاه و قدرت نظام حقوقی، بازیگران حقوقی و اهمیت آنها در جنبش‌ها برای ایجاد تغییرات اجتماعی و کنترل سیاسی در جوامع می‌پردازد. این وکیل دادگستری در ادامه، به تعریف اصطلاح جدید بسیج حقوقی (- Legal mobiliza-tion) پرداخت. به بیان او، «بسیج حقوقی» یعنی: «تمایل یا خواستنی که در قالب ادعای برخی حقوق به یک مطالبه تبدیل شده است. در عین حال که مشروعیت یک ادعا در قواعد حقوقی نهفته است. بسیج حقوقی یکی از انواع استفاده از اعتراض است و اعتراض، ابزاری بدیل برای عمل مشترک بر مبنای منافع مشترک یک جنبش. پس، بسیج حقوقی ابزاری است برای مطالبه حق‌ها و آزادی‌ها و هر جمعیت و جنبشی می‌تواند با جهت‌گیری اصلاحی در گستره حق‌های مندرج در قوانین موضوعه، حق یا حقوقی را از دادگاه‌ها خواستار شود و پروژه اصلاح اجتماعی را پیش ببرند. وکلایی که از آنها با عنوان وکیل آرمانی، یا وکیل کنشگر نام برده می‌شود در میان انواع تعهدها، استفاده از حمایت و دفاع حقوقی همچنان کاری درون سیستم محسوب می‌شود و وکالت آرمانی اعم از اینکه به دنبال تغییر یا جلوگیری از تغییر قوانین باشد، داخل میدان قانون باقی می‌ماند. عظیمی کتاب خود را فراخوانی برای مطالبه‌گری و ترویج کنشگری حقوقی عنوان کرد.

تصحیح و پوزش

جنگ جهانی اول به‌جای ۱۹۱۴ سال ۱۸۱۴ درج شده و به‌جای واژه «عالم» از کلمه «زاهد» استفاده شده است که به‌این‌وسیله از نویسنده یادداشت و خوانندگان محترم پوزش می‌خواهیم.

● در یادداشت «قدر عافیت کسی داند که به مصیبتی گرفتار آید» به قلم فریدون مجلسی که روز گذشته، چهارشنبه، ۱۸ اردیبهشت، در این صفحه چاپ شد، دو اشتباه چاپی وجود دارد؛ تاریخ شروع

● در یادداشت «قدر عافیت کسی داند که به مصیبتی گرفتار آید» به قلم فریدون مجلسی که روز گذشته، چهارشنبه، ۱۸ اردیبهشت، در این صفحه چاپ شد، دو اشتباه چاپی وجود دارد؛ تاریخ شروع